

بررسی و ارزیابی موفقیت پروژه‌های تکرارپذیر نیروگاهی بر مبنای معیارهای سه‌گانه زمان، هزینه و کیفیت

اشکان غلامی^۱، غلامرضا هروی^۲، فریدون هنری چوبر^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی و مدیریت ساخت، دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه تهران

۲- استادیار دانشکده مهندسی عمران، پردیس دانشکده‌های فنی، دانشگاه تهران

۳- معاونت برنامه‌ریزی شرکت احداث و توسعه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی مپنا توسعه دو

چکیده

پروژه‌های نیروگاهی تأثیر به‌سزایی در توسعه کشورها در زمینه‌های مختلف صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی دارند و با سرمایه‌گذاری‌های کلان برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردند. با توجه به نیروگاه‌های متعددی که در کشور ما ساخته شده و یا در حال ساخت می‌باشند، بررسی سطح موفقیت و میزان دستیابی آن‌ها به اهداف از پیش تعیین شده‌شان، ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر اگر در سازمانی این پروژه‌های متعدد، دارای مشابهت‌هایی بوده و به نوعی تکرار شوند، لزوم یادگیری از پروژه‌های قبلی و بهبود در عملکرد به وضوح روشن است. به همین منظور در این پژوهش ضمن شناسایی معیارهای موفقیت و معیارهای پیشرفت ناشی از تکراری شدن پروژه‌ها، اقدام به تعریف شاخص‌هایی جهت ارزیابی این معیارها، گردید. در ادامه جهت سنجش شاخص‌های موفقیت از اسناد و مدارک مربوط به پروژه‌های نیروگاهی و جهت سنجش میزان تکراری شدن پروژه‌ها، پس از تشکیل گروه متخصصین از روش دلفی استفاده گردید. در پایان، ضمن تحلیل و ارزیابی نتایج به دست آمده، مشابهت میان روند تغییرات انحراف معیارهای موفقیت از مقدار برنامه‌ریزی شده‌شان با روند تکراری شدن پروژه‌ها و تغییرات شاخص‌های تکرار، مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: معیارهای موفقیت، پروژه‌های تکراری، یادگیری سازمانی، پروژه‌های نیروگاهی.

۱. مقدمه

صنعت برق به دلیل نقش زیربنایی و ارتباط تنگاتنگ با عوامل مؤثر بر رشد فرهنگی، اجتماعی، علمی و اقتصادی، صنعتی پویا و تأثیرگذار است و تامین انرژی الکتریکی به عنوان یک رکن راهبردی، اساس توسعه هر کشور محسوب می‌گردد. جایگاه بخش تولید در صنعت برق، جایگاهی ممتاز و مهم به شمار می‌آید. حجم سرمایه‌گذاری انجام شده و سطح تکنولوژی و دانش فنی بکار گرفته شده در این بخش نشان دهنده اهمیت آن است. بنابراین بخش تولید برق و به عبارت دیگر نیروگاه‌ها، مهم‌ترین و در عین حال سرمایه‌برترین بخش در صنعت برق ارزیابی می‌گردد (امامی میبدی و همکاران ۱۳۸۸). پروژه‌های نیروگاهی به عنوان پروژه‌هایی پیچیده، نیازمند به تکنولوژی بالا و نمادی از توسعه و پیشرفت در هر کشور، در صنعت ساخت و ساز شناخته می‌شوند. در کشور ما نیز نیروگاه‌های متعددی ساخته شده و یا در حال ساخت می‌باشند (غلامی و همکاران ۱۳۹۳). با توجه به موارد فوق بررسی سطح موفقیت پروژه‌های نیروگاهی که تا کنون در کشور اجرا شده و یا در حال اجرا هستند و میزان دستیابی آن‌ها به اهداف از پیش تعیین شده‌شان، ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به توسعه به وجود آمده در میان رشته‌های مهندسی و به خصوص صنعت ساخت و احداث در سال‌های اخیر، پروژه و تیم پروژه به طور جدی توسط سازمان‌ها، جهت دستیابی به اهداف گوناگونی درگیر می‌شوند. این موضوع به خصوص در پروژه‌هایی که دارای پیچیدگی، سرعت بالا، مشارکت عوامل مختلف و نیازمند کیفیت بالا می‌باشند، مشهود است. همزمان با این تنوع در بین اهداف پروژه و افزایش پروژه‌ها در سراسر سازمان در موقعیت‌های مختلف، چالش‌های مفهومی و محدودیت‌های عملی متعددی در چرخه حیات پروژه پدیدار می‌گردد (سنس^۱ ۲۰۱۱). از سوی دیگر اگر در سازمانی این پروژه‌های متعدد، دارای مشابهت‌هایی بوده و به نوعی تکرار شوند، لزوم یادگیری از پروژه‌های قبلی و بهبود در عملکرد به وضوح مشخص است.

¹ Sense